

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

انتخاب از یک هوادار

۱۰ مارچ ۲۰۱۲

شعری از شاعر بزرگ، آزاده، عصیانگر و نام آشنا

(فروغ فرخزاد)

بر روی ما نگاه خدا خنده می زند

بر روی ما نگاه خدا خنده می زند
هر چند ره به ساحل لطفش نبرده ایم
زیرا چو زاهدان سیه کار خرقه پوش
پنهان ز دیدگان خدا می نخورده ایم
پیشانی ار ز داغ گناهی سیه شود
بهتر ز داغ مهر نماز از سر ریا
نام خدا نبردن از آن به که زیر لب
بهر فریب خلق بگوئی خدا خدا
ما را چه غم که شیخ شبی در میان جمع
بر رویمان بیست به شادی در بهشت
او میگذاید ... او که به لطف و صفای خویش
گوئی که خاک طینت ما را ز غم سرشت
طوفان طعنه خنده ما ز لب نشست
کوهیم و در میانه دریا نشسته ایم
چون سینه جای گوهر یکتای راستیست
زین رو به موج حادثه تنها نشسته ایم
مائیم ... ما که طعنه زاهد شنیده ایم

مائیم ... ما که جامه تقوا دریده ایم
زیرا درون جامه به جز پیکر فریب
زین راهیان راه حقیقت ندیده ایم
آن آتشی که در دل ما شعله می کشد
گر در میان دامن شیخ اوفتاده بود
دیگر به ما که سوخته ایم از شرار عشق
نام گناهکاره رسوا نداده بود
بگذار تا به طعنه بگویند مردمان
در گوش هم حکایت عشق مدام ما
هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است در جریده عالم دوام ما